

علم أصول الفقه

٥٥

٩٣-١١-٢٥ ظهور

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا

• وَ جَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (٢٠) اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ (يس ٢١)

• فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ (يونس: ٧٢)

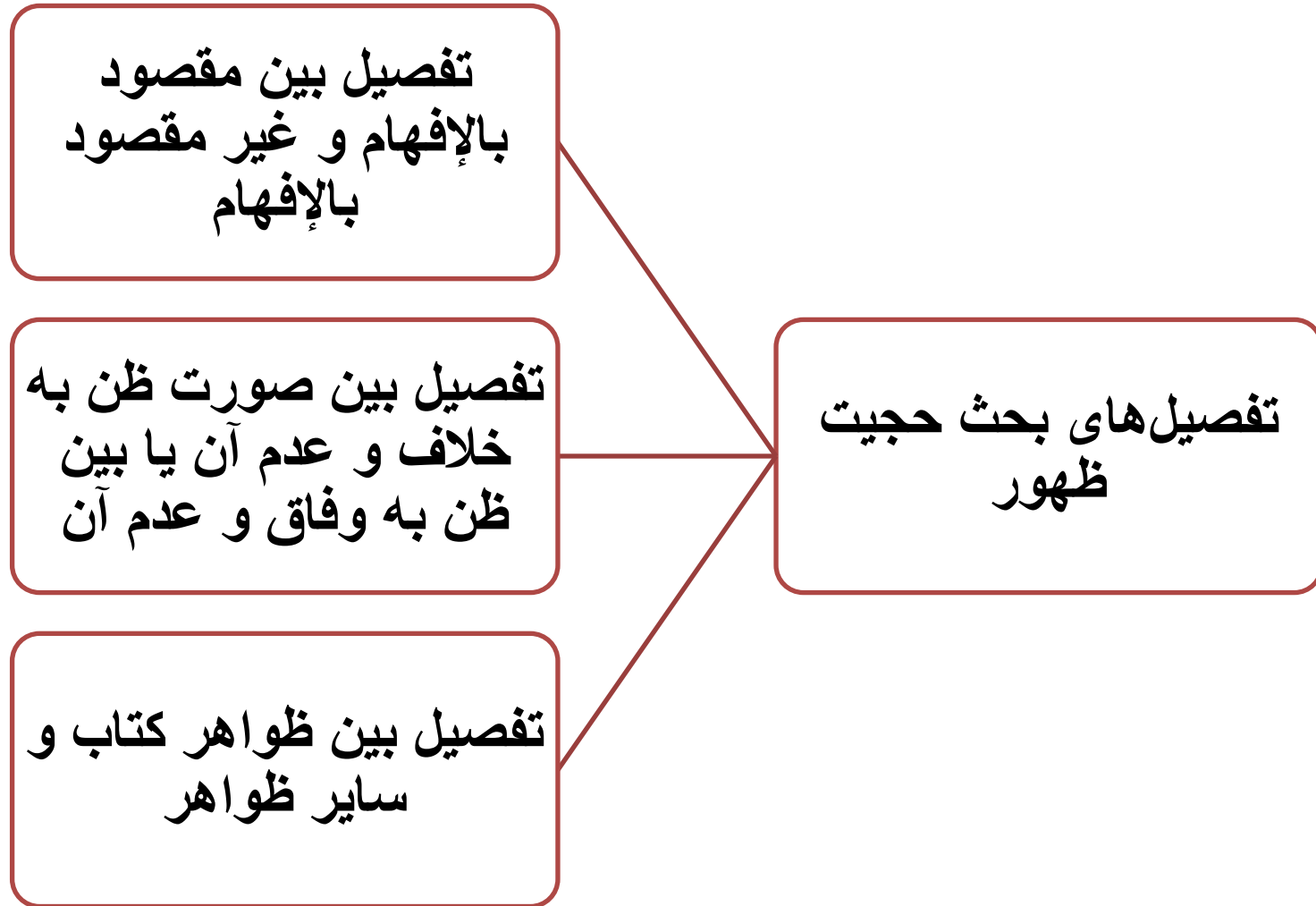
مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا

• ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي
الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ شَكُورٌ (٢٣)

مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا

• قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ
(سبأ : ٤٧)

• قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى
رَبِّهِ سَبِيلًا (الفرقان ٥٧)



سیره عقلا در باب ظواهر

خصوص
امور تکوینی

حوزه امور
تشریحی

سیره عقلا

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- مصداق بارز حجیت عقلایی در روابط عبید و موالی است نظیر اینکه رئیسی که از نظر عقلا ریاست دارد، مطلبی را بگوید. ظاهر کلامش برای مرئوسین حجت است و اگر مرئوسین به این تکلیفی که ظاهر کلام رئیس است، عمل نکنند، وی می تواند به این ظاهر علیه آنها احتجاج کند و اگر مرئوسین به تکلیفی که ظاهر کلام رئیس است، عمل کنند و بعد معلوم شود که اشتباه کرده اند و تکلیف رئیس در واقع این نبوده است، این ها می توانند با این ظاهر به نفع خودشان احتجاج کنند.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- در حقیقت ایشان حجیت را به معنای منجزیت و معذرت گرفت و این دو در جایی معنا دارد که تکلیفی باشد و تکلیف فقط در جایی است که رئیس و مرئوسی یا عبید و موالی باشند.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- شهید صدر رضوان الله علیه می فرماید اینکه عقلاً در صورتی که ظن به خلاف ظاهر داشته باشند به مفاد آن ظاهر اعتنا نمی کنند، در غیر دایرة روابط عبید و موالی است؛ یعنی همان جایی که اصلاً حجیت معنا ندارد؛ اما در دایرة روابط عبید و موالی اعتنا می کند.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- بنابراین اگر کسی به شما خبر دهد که پدرتان جلوی درب منتظر شما است و شما ظن به خلافش دارید، عقلا به این ظاهر اعتنا نمی‌کنند؛ چون این خبر، خبر از تکلیف رئیس نیست؛ اما اگر به شما می‌گفت رئیس تو گفته است فلان کار را باید انجام بدهی و شما ظن داشتی که ریاستان از این چیزها نمی‌گویند، عقلا با وجود چنین ظنی به این ظاهر اعتنا می‌کنند.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- ایشان توضیح می دهند که چرا عقلا دوگانه عمل می کنند. می فرمایند در جایی که امر شخصی باشد، معیار عقلا، فهم و قضاوت شخصی است؛ چون برای آن شخص مانعی از اخذ به ظاهر پیدا شده است که همان ظن به خلاف است و این امر هم یک امر شخصی و مربوط به خود او است؛ اما در دایرة مولویت از آنجا که مولویت امری مربوط به مولا است، معیار شخص و قضاوت شخصی نیست، بلکه معیار نوع و قضاوت نوعی است و این ظاهر کلام مولا برای همه افراد حجت است؛ هر چند شخصی در این میان ظن به خلاف آن داشته باشد و قضاوت این شخص اعتباری ندارد.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

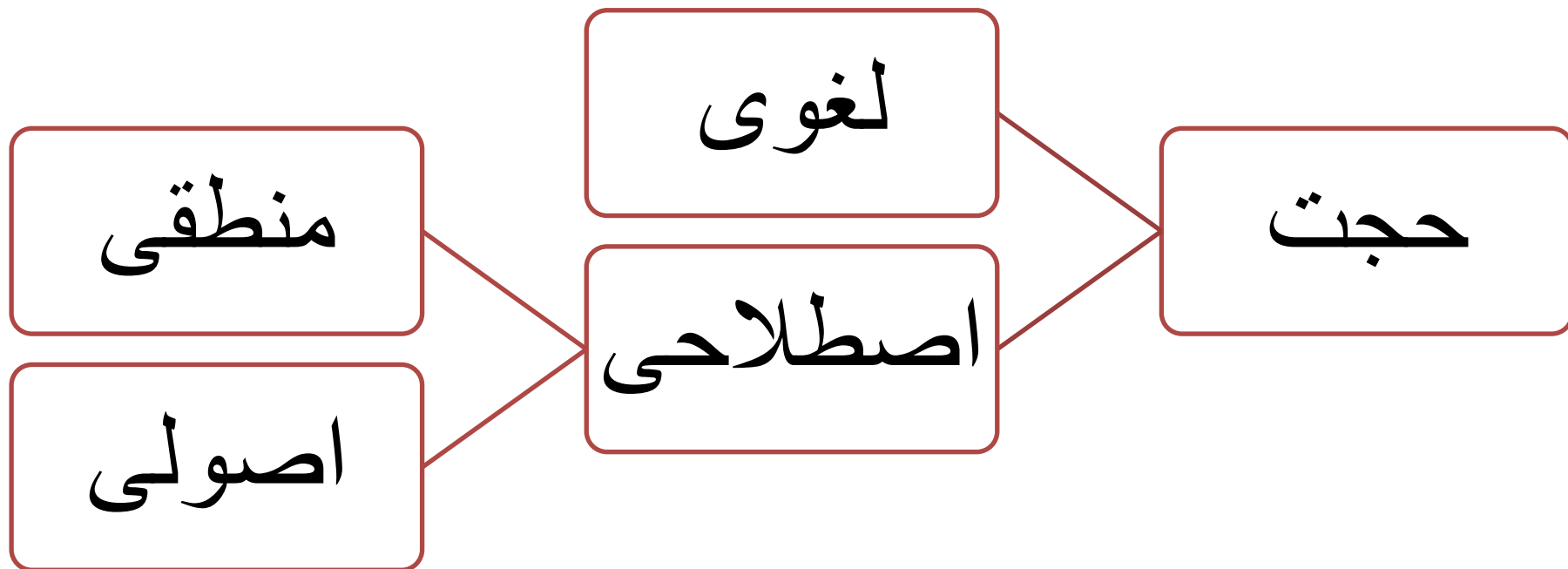
- وقتی مولا این خطاب را القا می‌کند که «همسایگان من را اکرام کنید»، ظاهرش این است که می‌خواهد همه همسایگانش اکرام شوند. این ظهور برای نوع افراد که مخاطب به این ظهور هستند، حجت است؛ هرچند شخصی در میان کسانی که جزء عبید این مولا هستند، برخلاف این ظاهر، ظن داشته باشد که مقصود مولا همه همسایگان نیست. در اینجا چون این خطاب از ناحیه مولا است، معیارش قضاوت نوع است نه قضاوت شخص.

تفصيل بين صورت ظن به خلاف و عدم آن يا بين ظن به وفاق و عدم آن

- بحوث في علم الأصول (تقرير: عبد الساتر)، ج ٩، ص ٣٣٦.

تفصيل بين صورت ظن به خلاف و عدم آن يا بين ظن به وفاق و عدم آن

- بحوث في علم الأصول، ج ٤، ص ٢٧٥؛ بحوث في علم الأصول (عبد الساتر)، ج ٩، ص ٣٣٦.
- بحوث في علم الأصول (عبد الساتر)، ج ٩، ص ٣٣٧ - ٣٣٩.



تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- نقد پاسخ شهید صدر رضوان الله علیه
- این بیان، یک اشکال مبنایی دارد که قبلاً بیان شد و یک اشکال بنایی:
- اشکال مبنایی

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- طبق مبنای شهید صدر رضوان الله علیه حجیت ظهور به روابط عبید و موالی اختصاص دارد و اصلاً حجیت در خارج از دایرة مولویت معنادار نیست؛ زیرا حجیت یک حکم ظاهری است و مفادش عبارت است از منجزیت و معذریت و فقط در جایی معنا دارد که تکلیف باشد و تکلیف هم فقط در جایی معنا دارد که مولویتی باشد. ما این مبنا را نمی پذیریم.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- اشکال بنایی
- بر فرض پذیرش این مبنا ایشان فرمودند ظهوری که به خلافش ظن هست، در روابط عبید و موالی حجت است؛ چون معیار در عبید و موالی ظهور نوعی است نه ظهور شخصی.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- اینجا اشکال می شود که اگر این ظن به خلاف، نوعی بود، چه می گوئید؟ یعنی الآن یکی از عبید ظن دارد که مولا مقصودش همه همسایگان نیست.
- بعد این ظن توسعه پیدا کند و آدم هایی که با این مولا آشنا هستند مثل این عبد با توجه با روحیات این مولا ظن پیدا کنند که مراد از «اکرم جیرانی» اکرام همه همسایگان نیست. اگر این طور بود چه خواهید گفت؟ این ظن به خلاف دیگر شخصی نیست.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- در واقع شهید صدر رضوان الله علیه با این بیانش روح اشکال را پذیرفته است بدین معنا که اگر ظن به خلافی در میان باشد، می تواند مانع حجیت شود؛ البته این مانعیت در صورتی هست که این ظن به خلاف توسعه پیدا کند و نوعی گردد.
- در حقیقت پس این معنایش پذیرش تفصیل است؛ البته تفصیل بین جایی که ظن نوعی به خلاف مانع باشد و جایی که چنین نباشد.



۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر
- اخباری‌های بین ظواهر قرآن و سایر ظواهر، فرق گذاشته‌اند بدین صورت که ظواهر قرآن حجت نیستند و سایر ظواهر حجت هستند. شهید صدر رضوان الله علیه می‌فرماید حجت نبودن ظواهر قرآنی در بیان اخباری‌ها به دو گونه قابل تفسیر است:

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- تفسیر اول از تفصیل سوم
- تفسیر اول که ظاهراً اخباری‌ها مرادشان همین است، اینکه قرآن دارای ظهور هست؛ اما این ظهورات حجت نیستند.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- ادلة تفصیل سوم
- اخباری‌ها بر این ادعا دو دلیل عمده اقامه کردند: آیات و روایات.
- در حقیقت اخباری‌ها با این ادله می‌خواهند بگویند آن حجیت ظهوری را که عقلا به صورت مطلق پذیرفته‌اند، شارع در خصوص ظواهر قرآنی، رد کرده است.

٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- ١. آيه محكم و متشابه
- «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» .
آل عمران، ٧.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- خداوند تبارک و تعالیٰ فرموده است که یک بخش از قرآن محکمت است و یک بخش دیگر متشابہات و کسانی کہ دنبال گمراہی اند بہ دنبال متشابہات می روند؛ یعنی دنبال متشابہ رفتن گمراہی است.
- با این تعبیر خداوند تبارک و تعالیٰ از عمل بہ متشابہ نہی کردہ است.
- **متشابہ عبارت است از ظاہر و مجمل.**
- پس خداوند تبارک و تعالیٰ از عمل بہ ظاہر و مجملات قرآنی نہی کردہ است.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- جواب اول
- برخی به اخباری‌ها جواب داده‌اند که تمسک به این آیه در نفی عمل به ظواهر قرآنی تمسک به ظاهر آیه است. پس پذیرش این استدلال مستلزم انکار این استدلال است.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اگر بپذیریم آیه محکم و متشابه از عمل به ظواهر قرآنی نهی می‌کند معنایش این است که تمام ظواهر قرآنی از جمله ظاهر همین آیه حجت نیست. وقتی ظاهر این آیه حجت نباشد، استدلال به این آیه میسور نخواهد بود.
- پس این مطلب شما از مواردی است که فرض وجود شیء مستلزم عدم آن شیء است و چنین چیزی محال است.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- مطلب دیگری که شهید صدر رضوان الله علیه فرمودند طرح یک اشکال مبنایی است که بر استدلال‌های قبلی وارد می‌شود.
- می‌گویید شما در فلسفه می‌گویید «اگر فلان چیز موجود باشد، دور لازم می‌آید، پس موجود نیست.» شما می‌خواهید با استفاده از این استدلال مشکل بحث را حل می‌کنید در همان حال در استدلالتان می‌پذیرید که چنین استلزامی واقعاً وجود دارد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- شما می‌پذیرید که در لوح استلزامات که بخشی از لوح واقع است، چنین استلزامی هست و چون اعتقاد دارید چنین استلزامی وجود دارد، می‌گویید «اگر این آیه دلالت کند بر اینکه مثلاً ظواهر قرآنی حجت نیست، وجودش مستلزم عدم حجیت ظواهر همین آیه است.»

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- پذیرش اینکه چنین استلزامی وجود دارد، پذیرش تحقق یک امر محال در لوح واقع است و تحقق امر محال نه فقط در لوح وجود، بلکه در لوح واقع که وسیع تر از لوح وجود است، هم محال است. بنابراین شما برای حل مسأله باید اثبات کنید که اصلاً استلزامی حتی در لوح واقع وجود ندارد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اشکال
- در پاسخ به این اشکال بعضی گفته‌اند که این آیه شامل خودش نمی‌شود؛ یعنی مفاد آیه این است که ظواهر قرآنی به غیر از خود همین آیه محکم و متشابه، حجت نیستند.
- برخی گفته‌اند این نکته عرفی است؛ مثل اینکه کسی بگوید «من هر چی می‌گویم دروغ است». این جمله در نظر عرف شامل خودش نمی‌شود.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

• جواب

• اگر این بیان را بپذیریم، اشکال به یک شکل دیگری دوباره مطرح می‌شود. فرض شود این جمله از ابتدا به لفظ شامل خودش نشود؛ اما به لحاظ ملاک شامل خودش می‌شود؛ چون دیگر ظواهر قرآنی به علت اینکه متشابه‌اند و فرض کردیم که ظاهر یکی از مصادیق متشابه است، حجت نیست. این آیه همین نکته را در خود دارد؛ یعنی ظاهر دارد و ظاهر از مصادیق متشابه است.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- جواب دوم
- در این آیه خداوند تبارک و تعالی از پیروی ظواهر یا به گمان استدلال کننده پیروی متشابه، فی حد نفسه اشکال نگرفته است، بلکه آیه رفتار خاص گروهی از گمراهان را تخطئه می‌کند که برای فتنه به ظواهر قرآنی تمسک می‌کنند و از قرائنی که می‌تواند این ظواهر را توضیح دهد و باعث روشن شدن مراد از آن ظواهر باشد، صرف نظر می‌کنند.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- مؤیدی کہ برای این مطلب آوردند این است کہ آیه در مورد نصاریٰ نجران نازل شدہ است. این گروه از مسیحیان بہ آیات قرآنی نازل شدہ در مورد مسیح تمسک می کردند؛ مثلاً خداوند تبارک و تعالیٰ در قرآن از مسیح علیہ السلام بہ عنوان کلمۃ خودش یاد کردہ است.

- يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ **كَلِمَتُهُ** أُلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَ **رُوحٌ** مِنْهُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (النساء ۱۷۱)

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- در اندیشه مسیحیت، مسیح علیه السلام کلمة الله است. همچنین از جمله این اندیشه، تثلیث است که مستلزم نوعی شرک است. آن‌ها از این استفاده می‌کردند که این آیه همان اندیشه مسیحیت را می‌گوید بدون اینکه به سایر آیات در مورد نفی شرک مراجعه کنند.

- برای نمونه می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد: **وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا. (النساء، ۳)؛ وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ. (لقمان، ۱۳)**

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- بنابراین این‌ها به بعضی از ظواہر قرآن تمسک می‌کردند و هدفشان ایجاد فتنه و گمراهی در بین مسلمانان بود و می‌خواستند این تصور را ایجاد کنند که قرآن همان مفاهیم تحریف‌شده مسیحیت را تأیید می‌کند.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- خداوند تبارک و تعالی این دوگانگی در برخورد با ظواهر قرآنی را تخطئه می‌کند در حالی که بحث ما در این بود که آیا به ظواهر قرآن می‌شود عمل کرد و البته ما هم قبول داریم که در فهم ظواهر قرآن باید همه قرائنی که در قرآن و در سنت وجود دارد و در تعیین مراد از این ظواهر دخالت پیدا می‌کند، جمع‌آوری کنیم.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- همچنین ما نمی خواهیم تأویل کنیم یا بعضی از ظواهر را بر خلافشان حمل کنیم یا گمراهی ایجاد کنیم، بلکه می خواهیم به حقیقت مراد قرآن که حقیقت مراد خداوند تبارک و تعالی است، دست پیدا کنیم. پس این آیه به طور مطلق عمل به ظواهر را نفی نمی کند، بلکه تأویل آیات و برخورد گزینشی با ظواهر قرآنی و حمل آیات برخلاف ظاهر به انگیزه ایجاد فتنه را تخطئه می کند.
- اساساً این امر نه تنها در قرآن بلکه در کلام هر گوینده ای کار اشتباهی است.